



نقش عفاف در ارتقاء عزت و کرامت زنان در خانواده و جامعه بر مبنای قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع)

زهرا قاسمی^۱، محمدرضا قاسمی^۲

۱. * مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی بهزیستی فارس، دانشجوی دکتری علوم سیاسی

۲. مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی جهاد دانشگاهی شیراز، کارشناس ارشد کامپیوتر

z.ghasemi1986@yahoo.com

چکیده

زن از دیدگاه اسلام دارای شخصیت شایسته و موقعیتی الهی است که می‌تواند مدارج کمال را طی کرده و به مراتب عالی انسانیت راه یابد. وجود زن زینت‌بخش آفرینش انسان، و افق روح او تجلی‌گاه رحمت است. دامن زن مدرسه بشریت است و کمال مرد بدون او ممکن نیست. زن مظهر ظرافت و وجودش جمال آفرینش است. اصلاح جامعه در گرو تقوای زن در خانواده و جامعه است. جایگاه الهی و والای این گوهر آفرینش اقتضا دارد که در صدف عفاف و حجاب قرار گیرد تا روز به روز بر عزت و کرامت او افزوده شود. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عفاف در ارتقاء عزت و کرامت زنان در خانواده و اجتماع بر مبنای دیدگاه قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه تحقیق شامل قرآن کریم و احادیث و روایات معصومین (ع) و دیگر منابع دینی است که در رابطه با عفاف در نشریات، پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق موجود می‌باشد. در این تحقیق سؤالاتی از قبیل اهمیت عفاف برای زنان از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت (ع) چیست؟ دلایل وجوب عفاف و حجاب برای زنان از نظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) چیست؟ انواع عفاف و حجاب از دیدگاه قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) کدامند؟ از منظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) مبنای حق کرامت انسانی زن چیست؟ آثار و فواید فردی و اجتماعی عفاف از منظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) چه می‌باشد؟ موارد عدم رعایت عفاف زنان از نظر قرآن کریم و سیره اهل بیت (ع) چیست؟ آثار سوء عدم عفاف و بی‌حجابی از نظر قرآن کریم و اهل بیت (ع) چیست؟ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که حفظ عفت و پایبندی به آموزه‌های دینی و عمل به سفارشات قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) در خصوص عفاف سد محکمی در برابر آسیب‌های اجتماعی در خانواده خواهد بود. خانواده سالم زمینه‌ساز جامعه‌ای سالم و رشد یافته خواهد بود. جامعه‌ای که در جهت تعالی حرکت می‌کند، حرکتی که منجر به رسیدن به حیات طیبه‌ای که قرآن کریم و اهل بیت (ع) وعده آن را داده‌اند، می‌شود. در پایان این پژوهش نیز راهکارهایی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: عزت و کرامت، زنان، خانواده، جامعه، عفاف، آثار و فواید



مقدمه

یکی از اصلی‌ترین و محوری‌ترین ویژگی‌های روحی و اخلاقی زنان، رعایت عفت و حجاب اسلامی است که سایر فعالیت‌ها بدان ارزش پیدا می‌کند. بارزترین مشخصه زن مسلمان ایرانی در نظام اسلامی؛ پاکدامنی، عفت، حجاب و رعایت شئون اسلامی است که کامل‌کننده و متمم نقش‌آفرینی در فعالیت‌های خانوادگی و اجتماعی آنان است. از منظر اسلام، یکی از مهم‌ترین وظایف زنان در خانواده و جامعه؛ پاسداری در حفظ حریم عفاف است. در قرآن مجید، در چند آیه به ضرورت عفاف و حجاب برای زنان تصریح گردیده و در چهارده آیه (نور، ۳۲، ۲، ۳۰، ۲۸، ۲۷، ۵۸، ۳۳، ۳۲، ۳۱؛ احزاب، ۳۲، ۵۹ و قصص، ۲۵)، درباره عفت و پاکدامنی هشدار داده شده و در احادیث و روایات فراوانی نیز هشدارهای مؤکد در این زمینه داده است.

زن در قبال رعایت حجاب، علاوه بر اعلام عفت خود، عفت جامعه را نیز تضمین می‌کند؛ همان‌گونه که خداوند متعال پس از امر به پوشش جلباب یا همان چادر، می‌فرماید: «ذَلِكَ أَدَّتِي أَنْ يُعْرَفَنَ فَلَا يُؤْذَنَ» (احزاب، ۵۹)؛ این کار برای این که (به عفت) شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند، بهتر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۳۴۰). بنابراین رعایت حجاب بهترین راه اعلام عفت است.

نقش زنان در عالم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده می‌شوند، می‌تواند بعکس آن باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۱۲۵).

در این میان جایگاه خانواده و نقش آن بنیادی و اساسی است. زیرا خانواده شالوده هر جامعه و هسته اولیه تشکیل جوامع محسوب می‌شود و محل رشد، حرکت و تعالی می‌باشد.

خانواده‌های لجام گسیخته و متزلزل، جامعه متزلزل را پدید می‌آورند. جامعه‌ای که در آن نشانی از خانواده سالم یافت نشود میزان طلاق روز به روز بالا می‌رود و ازدواج‌های مطلوب و برنامه‌ریزی شده کمتر صورت می‌گیرد. به طور کلی، ریشه بسیاری از کج‌روی‌های اجتماعی را باید در خانواده جستجو کرد (شعاع‌کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۴).

وجود ملکه عفاف در فرد، سبب مصونیت وی از گناه می‌شود؛ به طوری که نه تنها از شرایط و موقعیت گناه پرهیز می‌کند، بلکه به ایجاد یک زمینه ارتباطی عفاف‌گونه هم اقدام می‌نماید. شخص عقیف به ارتباطات گسترده انسانی بر مبنای کرامت انسانی توجه دارد. وقتی بینش انسان‌ها در ارتباط با خود و دیگران بر اساس کرامت شکل گرفت، آنگاه ارتباط جنسی هم جای مخصوص خود را خواهد داشت و در روابط اجتماعی تسری نمی‌یابد. کرامت از ریشه کرم، به معنی عزت و بلندمرتبگی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵۱۲). بنابراین منظور از توجه به کرامت انسانی، توجه به هویت انسان و وجود معنوی و غیرجسمانی انسان در زندگی مادی اوست. مفهوم کرامت انسانی محدود به افراد نیست، بلکه به گونه بشر اشاره دارد.

ارزش قائل شدن برای کرامت انسانی زن و رعایت حقوق و تکریم جایگاه او به عنوان یک شخصیت انسانی، به واسطه عفاف او به وجود آمده و باعث عزت بیش از پیش او در خانواده و جامعه خواهد شد. به نظر بسیاری از پژوهشگران و از جمله استاد مطهری، آنچه ریشه و زیربنای اخلاق اسلامی می‌توان از آن یاد کرد، همان کرامت و عزت نفس است (مصباح، ۱۳۷۸: ۱۴۷)، اما متأسفانه کمتر به آن توجه می‌شود. در حالی که کرامت، حافظ بسیاری از ارزش‌های انسانی



است. به یقین می‌توان گفت؛ پرورش کرامت در زنان، روابط انسان‌ها را تنظیم و راه صحیح زندگی کردن را هموار می‌سازد.

هدف اسلام نیز تربیت انسان‌های کامل و کریم است که این نوع تربیت در تمام زوایای زندگی اثرگذار است (سیدی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

بیان مسأله

عفاف در امور اجتماعی همچون عفاف در لباس، نگاه، گفتار، مقام، مال، خندیدن، زینت، کار و عفاف در خانه و خانواده، مثل عفاف در حسن معاشرت زوجین (که لذت شهوت جنسی ایشان را بر مدار کرامت انسان قرار می‌دهد)، حفظ حریم‌ها، رعایت حقوق متقابل، عفاف در سطح فردی، مثل خلوت، نیت، تفکر، مشارطه در دوری از گناه و سوءظن، پرهیز از بیکاری و تنبلی، غفلت، خواب و خوراک. گاهی هم یک حکم در هر سه عرصه اجتماعی، خانوادگی و فردی زمینه‌ساز باروری عفت و توجه به کرامت انسانی می‌شود. پس دایره عفت در زندگی بشر به وسعت دایره زندگی فردی، اجتماعی و کلیه تعاملات فکری و رفتاری انسان است.

به صورت کلی، عفاف در همه سطوح زندگی انسان جاری است. مجموعه دستورات دین اسلام در مورد عفاف، نظام رابطه عقیفانه را در زندگی انسان به وجود می‌آورد (علم‌الهدی، ۱۳۹۱: ۵۲-۱۳۰).

با توجه به این موارد، مسأله اصلی تحقیق حاضر این است که؛ عفاف چه نقشی در ارتقاء عزت و کرامت زنان در خانواده و جامعه دارد؟ که با استناد به آیات قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) بدان پاسخ داده می‌شود.

سوالات تحقیق

- ۱- مفهوم عفاف، عزت، کرامت، خانواده چیست؟
- ۲- اهمیت عفاف برای زنان از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت (ع) چیست؟
- ۳- دلایل وجوب عفاف و حجاب برای زنان از نظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) چیست؟
- ۴- انواع عفاف و حجاب از دیدگاه قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) کدامند؟
- ۵- از منظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) مبنای حق کرامت انسانی زن چیست؟
- ۶- آثار و فواید فردی و اجتماعی عفاف از منظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) چه می‌باشد؟
- ۷- موارد عدم رعایت عفاف زنان از نظر قرآن کریم و سیره اهل بیت (ع) چیست؟
- ۸- آثار سوء عدم عفاف و بی‌حجابی از نظر قرآن کریم و اهل بیت (ع) چیست؟

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها به صورت کتابخانه‌ای است. روش مورد استفاده در سازماندهی و انجام تحقیق توصیفی و تحلیلی است. به این صورت که با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات موجود در مجلات، پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع مورد بحث استخراج شده و مورد تحلیل قرار



گرفته است. در این تحقیق تلاش شده است با استفاده از اصول علمی به تبیین و توصیف دقیق مطالب مورد بحث پرداخته شود.

۱- مفهوم عفاف، عزت، کرامت، خانواده چیست؟

معنا و مفهوم عفاف

واژه عفاف از ریشه «ع.ف.ف» است و در معنای آن گفته‌اند: «عفاف، عبارت است از دست کشیدن از حرام و درخواست از مردم و دست کشیدن از آنچه حلال و زیبا نیست و بازداشتن نفس از خواهش‌های نادرست» (طریحی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۱۰۱).

عفاف، ملکه دوری از گناه در زندگی مؤمن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۲۵۲) که در ارتباطات با خود، با فرد دیگر، با گروه و جامعه بروز می‌یابد و در معنای خاص، به پاکدامنی و غلبه عقل بر شهوت جنسی دلالت دارد (نراقی، ۱۳۷۷: ۲۴۳).

معنا و مفهوم عزت

عزت در لغت یعنی شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود. در اصل از «ارض عزاز»؛ یعنی زمین محکم و نفوذ ناپذیر گرفته شده است (طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۰۷). با توجه به معنای صلابت و حالت شکست‌ناپذیری، این واژه، در معانی دیگری، از جمله: غلبه، صعوبت، سختی، غیرت، حمیت و غیره استعمال شده است (یوسف، ۸۸؛ فصلت، ۴۱؛ توبه، ۱۲۸).

معنا و مفهوم کرامت

در احادیث، کرامت به معنای پرداختن به اهداف متعالی و دوری از پستی‌ها و اهداف دینی به کار رفته است. امام علی (ع) می‌فرماید: «أَتَمَّا الْكَرَمِ التَّنَزُّهَ عَنِ الْمَعَاصِي» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶ش، ج ۳: ۷۷)؛ کرم، عبارت است از اجتناب از بدی‌ها.

امروزه در ادبیات حقوقی و اجتماعی معاصر، کرامت انسانی عبارت است از این که انسان بما هو انسان عزیز و شریف و ارجمند است و نیز در تدوین حقوق بشر آنچه مبنای اصلی قرار گرفته است، ملاحظه انسان از آن حیث که انسان است می‌باشد، نه معیارهایی چون رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا، طبقه اجتماعی، اعتقاد دینی و... که این امور، هیچکدام ذاتی انسان‌ها نیستند و به تعبیر استاد مطهری «این اعلامیه، نمی‌گوید مؤمنان برابرند یا هموطنان برابرند، می‌گوید انسان‌ها برابرند» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۲۷).

معنا و مفهوم خانواده

از نظر لغوی و اصطلاحی خانواده کوچک‌ترین گروه اجتماعی در جامعه است که شامل پدر، مادر و فرزندان می‌باشد. در معنای استعاری خود خانواده به مجموعه چیزهایی که پیوند مشترک دارند یا از یک اصل و ریشه هستند اطلاق می‌گردد (آنوری، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۶۶۵).

خانواده از نظر عرف عبارت است از زن و فرزندان و خویشاوندان مرد و زن و در اصطلاح شرعی، خانواده جماعت و گروهی هستند که زیربنای جامعه را تشکیل می‌دهند و بنای آن بر روابط همسری بین زن و مرد استوار است که پیامد آن وجود فرزندان است که به وجود می‌آیند. کلمه «الاسره» در لغت (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق: ۲۰).

۲- اهمیت عفاف برای زنان از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت (ع) چیست؟



عفاف، از دامنه و ابعاد گسترده‌ای برخوردار است. «در یک نگاه کلی، گستره عفاف به گستردگی فعل و انفعالات و جوارح و جوانح انسان است. لذا گاه موضوع کلی عفاف در امور اجتماعی است که انشعاباتی چون عفاف در لباس، نگاه، صدا، گفتار و... دارد و گاه موضوع عفاف فعل و انفعالات فردی و زمینه‌ساز ارزش‌های خاصی از جهت تمایزات اخلاق شخصی است مثل مشارطه در دوری از گناه» (میرخانی، ۱۳۸۰: ۸۷).

برخی از دلایل اهمیت عفاف برای زنان عبارتند از:

۱- زن، خلیفه الهی است؛

این مقام والا در چند آیه بیان شده است. از جمله در سوره بقره می‌خوانیم:

«به درستی که من در زمین، جانشینی قرار خواهم داد» (بقره، ۳۰).

برخی از مفسران معتقدند که مقام خلافت انسان در این آیات، متعلق به «آدمیت» است نه «شخص» پس همه انسان‌ها (چه زن و چه مرد) را شامل می‌شوند. شاهد بر این ادعا نیز خطاب‌هایی در قرآن است که عمومی و ناظر به تمامی انسان‌هاست (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۶) مانند:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید.

بنابراین مقام خلافت الهی شامل زن و مرد می‌شود و در این امر فرقی میان آنها نیست. دلیل دیگر بر عدم اختصاص این مقام به مردان، این است که طبق آیات قرآن، نشانه شایستگی آدم برای مقام خلافت الهی، قابلیت او بر تعلیم و تعلم علوم الهی است (بقره، ۳۰ تا ۳۳) و محور تعلیم و تعلم، روح و جان آدمی است نه تن او، و روح نه توصیف به مذکر می‌شود و نه مؤنث. بنابراین خلافت الهی شامل زنان نیز می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

۲- زن، مسجود ملائکه است؛

خداوند به ملائکه خود دستور داد بر آدم سجده کنند:

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره، ۳۴)؛ و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید؛ همگی سجده کردند...

آنچه موجب شد که خداوند چنین دستوری به ملائکه دهد، چیزی نیست جز مقام «آدمیت» که مشترک میان زن و مرد است. شایستگی انسان برای این مقام هم به دلیل برتری او بر ملائکه است چراکه قادر به تعلیم و تعلم اسمای الهی است. بنابراین هرکس بتواند آگاهی خود نسبت به علوم و اسمای الهی را افزایش دهد، انسانیت خود را توسعه داده و برای مقام خلافت شایسته‌تر خواهد بود، خواه زن باشد یا مرد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸).

۳- ویژگی‌های اساسی انسان و تساوی زن و مرد است؛

در نگرش اسلام، زن همچون مرد، انسان است و سه ویژگی مهم انسانی یعنی اختیار، مسؤولیت‌پذیری و توان ارتقایابی و کمال را داراست. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به اشتراک زن و مرد در تکلیف، مسؤولیت‌پذیری، ثواب و عقاب در اعمال مشابه، شناخت اصول دین و اشتراک در مؤلفه‌هایی مانند: اختیار، ادراک خوبی‌ها و بدی‌ها و نیروی انگیزشی به سمت خوبی و بدی، رسیدن به زندگی پاک و... اشاره دارد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸).



۴- زن و آیات خلقت از نفس واحده هستند؛

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء، ۱)؛ ای مردم! از [مخالفت] پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را [نیز] از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی [در روی زمین] منتشر ساخت.»

طبق این دست از آیات، زن و مرد از نفس واحده آفریده شده‌اند و همان‌طور که بسیاری از مفسران اشاره کرده‌اند مقصود از «نفس واحده» گوهر وجود آدم است که نه مؤنث است و نه مذکر. همچنین طبق آیاتی از قرآن، مرد یا زن بودن به بعد جسمانی انسان مربوط می‌شود نه روح و جان او:

«أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى * أَلَمْ يَكُ نَطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى * ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَى * فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (قیامت، ۳۹-۳۶)؛ آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟ آیا او نطفه‌ای از منی نبود که در رحم ریخته می‌شود؟ سپس به صورت خون بسته درآمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت، و از او دو زوج مرد و زن آفرید.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این آیه، تذکیر و تأنث را به بخش جسمانی نسبت می‌دهد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۷۸ - ۷۹)؛ و از این‌رو میان مرد و زن در روح و جان فرقی نیست و همین روح و جان مشترک، سکوی کمال انسان است. از آنچه گذشت، به دست می‌آید که از نظرگاه قرآن کریم، زن و مرد از جایگاه ارزشی و انسانی یکسانی برخوردارند. اهل بیت (ع) که مفسر حقیقی قرآن هستند نگاهی غیر از این به جایگاه زن نداشته‌اند. در نتیجه کلمات این بزرگواران باید در سایه این نگاه بررسی گردند تا معنای حقیقی آنها به دست آید.

۳- دلایل وجوب عفاف و حجاب برای زنان از منظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) چیست؟

اصل وجوب عفاف و حجاب برای زنان از ضروریات دین اسلام است، و منکر آن در حکم منکر دستورات ضروری اسلام است و کسی که از روی عمد و آگاهی منکر ضروریات اسلام شود، در حکم کفر است، مگر این که معلوم باشد که منکر خدا و یا رسول خدا (ص) نیست. ضرورت و وجوب حجاب داشتن برای زنان از نظر قرآن، و گفتار اهل بیت (ع) و به حکم عقل و اجماع و اتفاق رأی علمای اسلام ثابت است. در قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) برای وجوب عفاف و حجاب آیات و روایات بسیاری وجود دارد.

عفاف و حجاب مایه زینت:

عفاف و حجاب در ذات و فطرت بشر نهاده شده است. داستان آدم و حوا می‌تواند دلیلی روشن برای این مدعا باشد. قرآن کریم حجاب و پوشش را هدیه‌ای آسمانی می‌خواند: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (اعراف، ۲۶)؛ ای فرزندان آدم! ما لباسی را که ستر عورت شما کند و جامه‌های زیبا و نرم برای شما فرستادیم و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست باشد که خدا را یاد آرند.

جلوگیری از فرو افتادن در دام شیطان:

قرآن کریم، برهنگی و کنار گذاشتن لباس را دامی می‌داند که شیطان در مسیر انسان قرار داده، آن را مخالف با فطرت بشر می‌داند و انسان‌ها را از فرو افتادن در چنین دامی بر حذر می‌دارد. در سوره اعراف آمده است:



«يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ أَسْوَأَتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف، ۲۷)؛ ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را فریب دهد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از تنشان بیرون آورد و قبايح آنان را در نظرشان پدید آورد. همانا شیطان، خویشان و بستگانش شما را می‌بینند در صورتی که شما آنها را نمی‌بینید. ما شیطان را دوستدار آنان که به خدا ایمان نمی‌آورند، قرار داده‌ایم.

مانع شدن از تعرض و جسارت هوسرانان:

حجاب در اسلام محدودیت نیست، بلکه مصونیت است. حجاب اسلامی بر خلاف سنت مسیحی نشان و سمبل تسلط و اشراف مرد بر زن یا تبعیت زن از مرد نیست. حجاب اسلامی برخلاف سنت یهودی سمبل تجمل‌گرایی و تبعیض و تمایز طبقه‌ای از طبقه‌ی دیگر نیست. عفاف در اسلام نشان تقوا، پاکدامنی و خدا ترسی زن مسلمان است، هدف و منظور از حجاب اسلامی مصونیت تمام زنان مسلمان است.

عفاف، حجاب و حیا از امور فطری انسان است. متداول بودن حجاب در میان ملل مختلف با آن که دارای عقاید، مذاهب و شرایط جغرافیایی متفاوت بوده‌اند نشانگر آن است که تمایل به پوشش و حجاب امری فطری است (محمدی‌آشتیانی، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

پایداری زیبایی و شادابی زن:

رعایت عفاف و حجاب ضمن این که زن را در مقابل آفات مصون نگه می‌دارد او را زیباتر ساخته و شادابی بهتری به او می‌بخشد.

امام علی(ع) می‌فرماید: «صیانت زن او را شاداب‌تر و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌کند» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: حدیث ۵۸۲۰).

لازمه حفظ کرامت زن:

در آغاز لازم است روشن شود که فلسفه کرامت انسان چیست.

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰)؛ به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

در این آیه چند نکته بیان شده است:

۱. این کرامت از آن فرزندان آدم است و شامل همه آنان اعم از زن و مرد می‌شود. قید مؤمن، مسلمان، حتی انسان وجود ندارد.

۲. برای این موجود گرامی داشته شده، امکانات، وسائل، فرصت حرکت و جابجایی و رزق پاکیزه فراهم شده است.

۳. به جز گرامی داشتن، بر بسیاری آفریده‌ها برتری داده شده است که نشان می‌دهد، کرامت چیزی جز برتری است.

به عبارت دیگر، تکریم انسان، نهادن ویژگی‌هایی در این موجود است که در دیگران نیست و امری اعتباری یا تنها احترام نیست. دادن چیزهایی است که در دیگر موجودات هست؛ اما در انسان بیش‌تر و کامل‌تر است. از این‌رو، تکریم معنایی درونی است که به دیگری کاری ندارد و تنها آن موجود شرافت و عنایت یافته است و شامل همه، حتی مشرکان



و کافران هم می‌شود؛ برخلاف «تفضیل» که در مقایسه و اشتراک ارزیابی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ص ۱۵۵-۱۵۶).

علامه طباطبایی، فلسفه تکریم را اختصاص یافتن چیزی می‌داند که در انسان مشاهده می‌شود که در دیگران یافت نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، ایشان از روش سبر و تقسیم، در پی اثبات دلیل کرامت است: انسان در میان موجودات هستی به واسطه عقل، ویژگی دارد که باعث برتری و افزایش بر دیگران در صفات، احوال و کارها می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۵۶).

امنیت که به واسطه عفاف برای زن ایجاد می‌شود و منجر به رضایت خاطر او از زندگی می‌شود، از لوازم حفظ کرامت انسان است. عفاف در فرهنگ اسلامی، مقدمه رشد، تعالی و برطرف کردن موانع داخلی برای رسیدن به مقصود است. به همین دلیل بخش زیادی از توصیه‌های اجتماعی اسلام تأکید بر تحقق این امور است.

۴- انواع عفاف و حجاب از دیدگاه قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) کدامند؟

الف- عفاف و حجاب فیزیکی بدن

این بُعد همان محوری است که مورد توجه اکثر دانشمندان، علما، فقها و روشنفکران بوده است. این بخش از عفاف محسوس‌ترین و ملموس‌ترین بُعد می‌باشد. در آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بُعد از حجاب با عنوان «خمار» و «جلباب» تأکید ویژه شده است.

قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» و «جلباب»؛ از خمار در آیه سوره نور سخن گفته شده است: «وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور، ۳۱)؛ خمارهای خود را بر گریبان‌های خویش بیفکنید. که این قسمت آیه بیانگر کیفیت پوشش است که زن باید آن را ببوشاند.

نوع دوم پوشش جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب، ۵۹)؛ ای پیامبر، به زنان و دختران و زنان مؤمن بگو: جلباب‌های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر شناخته شوند و از تعرض هوسرانان آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است.

ب- عفاف در نگاه

بُعد دیگر عفاف از دیدگاه قرآن و روایات در «نگاه» است. این بخش از عفاف بعد از بُعد اول، شناخته شده ترین بُعد از ابعاد عفاف است و دستور صریح قرآن کریم و اهل بیت (ع) بر این بُعد از عفاف دلالت دارد. این بُعد از عفاف هم برای زن و هم برای مرد است، هم‌چنان‌که خداوند در سوره مبارکه نور به مردان و زنان به طور جداگانه امر می‌کند که چشم‌های خود را فرو افکنند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (نور، ۳۰)؛ ای رسول، به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا ببوشند» «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (نور، ۳۱)؛ ای رسول، به زنان بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا ببوشند.

نکته مهم آن است که پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه‌های حرام اگر چه در روایات بیشتر مربوط به مردان است ولی همان‌گونه که آیات شریفه نیز تصریح شد، پرهیز از نگاه خیانت کارانه و نگاه هوس‌آلود به نامحرم در مورد زنان نیز صدق می‌کند؛ از این رو حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «خشم خداوند سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیر شوهر خود یا از کسی که محرم او نیست، پرکند» (محمدی‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۳۲۵).



ج- عفاف در گفتار

نوع دیگر عفاف، عفت گفتاری زنان در مقابل نامحرم است.

تبیین روشن وحی در باب نحوه سخن گفتن زنان مؤمن با مردان، یکی از مهم‌ترین ابعاد عفاف است که در قرآن ذکر شده است و حتی لحن سخن گفتن زنان را در بُعد روانشناسانه مد نظر قرار داده است. عفت در گفتار در آیات شریفه قرآن کریم مؤکداً در مورد نحوه گفتار زنان به نامحرم است آنجا که می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (احزاب، ۳۲)؛ «زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گویند».

د- عفاف در رفتار

نوع دیگر عفاف، عفت رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. مقصود از عفاف در رفتار اعمال و افعالی است که به اعضا و جوارح پدید می‌آیند.

(۱) آشکار ساختن زینت‌های پنهان: خداوند در سوره مبارکه نور می‌فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِالرِّجْلِ الْيَعْلَمَ مَا يَخْفَى مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور، ۳۱)؛ به زنان مؤمن بگو آن‌گونه بر زمین پای نزنند که خلخال و زینت پنهان پاهایشان معلوم شود. خداوند متعال در آیه شریفه از نحوه خاصی از راه رفتن نهی نموده است؛ راه رفتنی که دیگران را به زینت‌های پنهانی زن آگاه می‌کند.

(۲) استعمال عطر: از جمله مواردی که به شدت از آن نهی شده است، این است که زن به هنگام خروج از خانه خود را معطر سازد، به طوری که بوی عطر وی به مشام نامحرم برسد. حضرت پیامبر (ص) می‌فرمایند: «هر زنی که به خود عطر بزند و از خانه‌اش خارج شود تا وقتی که به خانه‌اش برگردد لعنت و نفرین می‌شود [تا] هر وقت که برگردد» (حرانی، ۱۳۶۳: ۴۲). آن‌چه مسلم است، این است که؛ عطر زدن برای خانم‌ها نه تنها اشکالی ندارد بلکه استحباب نیز دارد، به خصوص که برای همسر باشد. آن‌چه که از آن نهی شده این است که زن موقع بیرون رفتن از منزل و یا موقعی که با نامحرم در تماس است، طوری عطر بزند که بوی آن به مشام نامحرم برسد و ایجاد مفسده کند» (حرانی، ۱۳۶۳: ۱۷۸).

(۳) آرام گرفتن در خانه و پرهیز از تَبَرُّج جاهلی: در آیه شریفه ۳۳ سوره احزاب به زنان پیامبر (ص) علاوه بر تقوا، امر می‌شود که در خانه‌های خود آرام و قرار گیرند و هم‌چون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوند.

ه- عفاف در قلب

خداوند متعال در برتری تقوای دل در امر عفاف در سوره احزاب، آیه ۵۳ می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»؛ هنگامی که از همسران پیامبر (ص) چیزی خواستید از پشت حجاب و پرده از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل‌های شما و دل‌های ایشان پاکیزه‌تر است.

دین مبین اسلام با طرح و تأکید عفاف به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در خانه و جامعه توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه‌ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم و انسان‌ها در کمال مصونیت و امنیت به کارکردها و نقش‌های خانوادگی و اجتماعی خویش بپردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی در جامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند.



۵- از منظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) مبنای حق کرامت انسانی زن چیست؟ خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست). گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است. خداوند دانا و آگاه است. دیگران عمداً یا سهواً انگشت انتقاد را مبنی بر عدم رعایت کرامت زن در اسلام، به طرف اسلام نشانه گرفته و نسبت به دین مبین اسلام شبهات را روا می‌دارند که یکی از جمله شبهاتی که در زمینه حقوق زن و مرد مطرح می‌کنند، این است که اسلام حقوق زن و مرد را به طور مساوی مطرح نکرده است. برخی چنین تصور می‌کنند که اسلام کفه سنگین شخصیت را برای مردان قرار داده و زنان در شریعت اسلامی جایی قابل ملاحظه ندارند.

برای کسانی که اندک آشنایی با دین مبین اسلام و کتاب آسمانی داشته باشد، تساوی زن و مرد به خوبی نمایان است. از دیدگاه اسلام، تنها معیار کرامت عبارت از تقوی می‌باشد هرچند که صاحب این تقوی مرد باشد و یا زن. هر کسی متقی باشد نزد خداوند با کرامت‌تر است، و نزد خداوند جنس برتر مطرح نیست. یعنی زن و مرد هر دو به یک اندازه دارای کرامت انسانی می‌باشند و در انسانیت‌شان تفاوتی نیست.

از پیامبر گرمی اسلام (ص) روایت شده است که؛ همه در نزد خداوند مانند دانه‌های شانه برابند و هیچ عربی بر عجمی یا عجمی بر عربی، سیاه پوستی بر سفیدپوستی یا سفیدپوستی بر سیاه پوستی برتری ندارد معیار برتری نزد خداوند تقوی است. و همه از آدم و آدم هم از خاک آفریده شده است (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ح ۳۲۷۰)؛ این حدیث مکرراً بر کرامت انسان‌ها اشاره نموده و معیار کرامت آنها را فقط یک چیز که عبارت از تقوی باشد، قرار داده است.

طبق این آیه و روایت یکی از راه‌های تقوی؛ حفظ عفاف است. زنان به واسطه عفاف در خانه و جامعه به تقوی نزدیک می‌شوند و هر چه بر حفظ عفت خود اصرار و تأکید داشته باشند، بر عزت و کرامتشان افزوده خواهد شد.

۶- آثار و فواید فردی و اجتماعی عفاف از منظر قرآن کریم، سیره و اندیشه‌های اهل بیت (ع) چه می‌باشد؟ عفاف و حجاب، سیرت و صورت متعامل و متقابل انسان فضیلت محور است، زیرا هویت اصیل بشر همانا عقل نظری حاکم بر وهم و خیال در بعد اندیشه و عقل عملی والی بر شهوت و غضت در بعد انگیزه است. پرده‌داری عقیفانه، مانع پرده‌داری هتاکانه است. عقیف که فرهنگیان عفت است از بی‌حجابی یا بدحجابی رنج می‌برد. آن ملکه مستور، عامل این ملک محبوب است.

درونت گر نبودی کیمیاگر
به هر دم خون و بلغم جان نگشتی
نهان دار این سخن را زانکه زرها
اگر پنهان نبودی کان نگشتی (مولوی، ۱۳۸۵: ۴۹۹).

آثار و فواید فردی

۱- مصون ماندن از تیر رس شیطان: عفاف، حصن رصینی است که از گزند گناه حفظ می‌نماید، به طوری که انسان عقیف از تیررس شیطان مصون است، چه این که از تیر تیز شدن نیز محفوظ خواهد بود، لذا هم از ارائه و نمایاندن شرر بار مصون است و هم از رؤیت و دیدن شررزا سالم خواهد بود. امام صادق (ع) فرمودند: «النظره سهم من سهام ابلیس»



مسموم و کم من نظره اورثت حسره طویله» (حرعاملی، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۲۰: ۱۹۱)؛ نگاه نامحرمانه، تیر مسموم ابلیس است.

۲- حفظ کرامت زن: حفظ کرامت و شخصیت زن به وسیله عفاف است. اگر نگوییم همه زنان، بیشتر زنان علاقه‌مندند جدای از زیبایی‌های جسمانی و خصوصیات ظاهری، مورد توجه قرار گیرند و قبل از این که نگاه جنسی به آنها شود، به عنوان یک انسان دارای فضیلت و دارای استعداد شناخته شوند و به اعتبار شخصیت انسانی‌شان در جامعه ارزشمند باشند، نه این که به خاطر زیبایی‌های جسمانی مورد ارزیابی قرار گیرند و بسیاری از کمالاتشان تحت الشعاع ظواهرشان ناشناخته و پنهان باقی بماند.

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «کسی که کرامت و شخصیت انسانی، او را استوار نساخت، اهانت و پوچی زندگی او را ادب خواهد کرد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۸۶).

آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد:

«در هر بخشی و هر بُعدی از ابعاد، برای سیر به مدارج کمال بین زن و مرد تفاوتی نیست، منتها باید اندیشه‌ها قرآن گونه باشد؛ یعنی همان‌گونه که قرآن بین کمال و حجاب و اندیشه و عفاف جمع نمود، ما نیز در نظام اسلامی بین کتاب و حجاب جمع می‌کنیم؛ یعنی عظمت زن در این است که مردان بیگانه را نبیند و مردان بیگانه هم او را نبینند. قرآن کریم وقتی از حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید: حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زنی که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند؛ لذا نظر کردن به زنان غیر مسلمان را بدون قصد تباهی جایز می‌دانند و علت آن این است که زنان غیر مسلمان از این حرمت بی‌بهره‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۲۶).

۳- آرامش روانی: یکی از آثار و فواید عفت‌ورزی؛ ایجاد آرامش روانی و دوری از التهابات درونی است. عدم پوشیدگی زنان و معاشرت‌های بی بند و بار زنان و مردان همواره هیجان‌ها و التهابات جنسی را افزایش می‌دهد و در صورت پذیرش هر روز سرکش‌تر شده و به صورت یک بیماری و عطش روحی مطرح می‌شود؛ چرا که این میل تنها در جنبه‌های جسمانی آن مطرح نیست، بلکه دارای ظرفیت روحی وسیع و نامحدودی است که حتی جسم نمی‌تواند پا به پای آن به پیش رود. از سوی دیگر پاسخگویی به این نیاز هم همیشه به صورت دلخواه میسر نیست، در نتیجه احساس محرومیت و عقده‌های روانی، تعادل روحی فرد را بر هم می‌زند. در تحقیقات جدید ثابت شده زمانی که زمینه کامیابی و ارضای گرایز بعد از تحریک آن فراهم نباشد، اشخاص از نظر روانی، در فشار قرار می‌گیرند و رفته رفته ظرفیت عصبی آنان به انتها می‌رسد. در این هنگام به سرعت هورمون‌های آزار دهنده سمی در خون ترشح می‌شود و در زمانی کمتر از یک دهم ثانیه مغز که با شبکه‌های ارتباطی به سراسر بدن وصل است، به کمک غده هیپوفیز و فرمان‌های مرکز هیپوتالاموس این سم را به همه اعضاء روانه می‌کند (غلامی، ۱۳۸۷: ۲۳۰)؛ این معنا در تعبیری دقیق از امام صادق (ع) چنین آمده است: «نگاه به نامحرمان تیری از تیرهای زهرآگین ابلیس است» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۱۴: ۲۶۹).

۴- حفظ سلامتی زنان: یکی دیگر از آثار مهم رعایت عفاف در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری‌های مختلف است. نبود پوشش مناسب زنان و به دنبال آن بی‌بند و باری و لجام گسیختگی جنسی علاوه بر اثرات روحی و روانی، پیامدهای جسمی زیادی را به دنبال دارد؛ در حالی که بسیاری از این عوارض و بیماری‌ها آفریده خود انسان‌ها هستند. امام رضا (ع) در این خصوص فرمودند: «هرگاه بندگان، گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند، خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند» (محمدی‌شهری، ۱۳۸۷، ج ۴: ۴۶۷).



۵- استحکام نهاد خانواده: خداوند در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...»؛ به زنان مؤمن بگو چشم‌های خود را از نگاه‌های هوس‌آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنید و زینت خود را جز از آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه افکنند...».

قرآن کریم به زنان امر می‌کند تا همه بدن خود را به جز صورت‌ها و دست‌ها از مچ تا انگشتان پپوشانند. این امر باعث ایجاد روابط صمیمانه زن و شوهر و منحصرشدن لذات جنسی به محیط خانواده و در محدوده ازدواج می‌شود. همچنین موجب می‌شود همسر قانونی در نزد فرد تنها عامل ارضای نیازهای جنسی تلقی شود و در نتیجه پیوند زن و شوهر محکم‌تر می‌شود و در نهایت به استحکام نهاد خانواده می‌انجامد.

۶- ارزشمند شدن زن: یکی از ثمرات عفاف برای زن، گران‌بها تر شدن او برای مرد و در نتیجه، به وجود آمدن عشق است که از لذت بخش‌ترین عواطف انسانی به شمار می‌آید. نیاز به دوست داشتن و محبوب دیگران واقع شدن که در سلسله مراتب «مزلو» قرار دارد، یکی از نیازهای مهم هر انسان است. میزان این نیاز در زنان بیش از مردان است؛ زیرا موجودیت روانی و شخصیتی زن به این است که مورد توجه و محبت دیگران، به ویژه نزدیکانش مثل پدر، مادر، شوهر و فرزندان قرار گیرد به طوری که اگر این جایگاه را نداشته باشد، امید خود را به زندگی از دست می‌دهد. به عبارت دیگر، شکست در عشق، شکست در همه چیز اوست. «زن وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه به او مایه حیات اوست» (دورانت، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

پیامبر خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ أَنْثَى فَلَنْ يُبْدَهَا وَلَنْ يُهِنَهَا وَ لَمْ يُؤْثِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا أَدَخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ه.ق، ج ۱۵: ۱۱۸)؛ هر کس دختری داشته باشد که حقوقش را پایمال نکند، او را تحقیر ننماید و پسرش را بر او مقدم ندارد، خداوند به واسطه این عمل او را به بهشت می‌برد.

بنابراین هر چه زن در روابط خود با مرد آزادتر باشد و کمتر عفاف را رعایت کند، ارزش انسانی خود را از دست می‌دهد و به وسیله‌ای برای اطفای شهوت‌های مرد تبدیل می‌شود، بدون این‌که جای گاهی در قلب او به دست آورد و در نتیجه، با دست نیافتن به این جایگاه و ارضا نشدن نیازش به عشق و محبت، در معرض مشکلات و اختلال‌های روانی قرار می‌گیرد و اندک اندک سلامت روانی خود را از دست می‌دهد.

آثار و فواید اجتماعی عفاف

۱- کاهش مفاسد و رشد فضایل اخلاقی: میل به خودنمایی و جلوه‌گری در سرشت زن نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی‌گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون سایر میل‌ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات مطلوبی خواهد داشت و در جهت کمال او کارآمد خواهد بود. اما اگر این گرایش، بدون حد و مرز باشد و خودنمایی و جلوه‌گری همواره و در همه‌جا نمود داشته باشد، قطعاً فسادآفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه‌های ناهنجاری در جامعه تأثیر خواهد گذاشت. زیبایی زن برای او سرمایه است، اما باید بجا و درست مصرف شود و زکات جمال زن همان حفظ عفت‌ورزی و حجاب است. همان‌گونه که امیرمؤمنان می‌فرمایند: «زکات الجمال، العفاف؛ زکات زیبایی، عفاف است» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۰۵).



۲- استحکام جوامع اسلامی در برابر نفوذ بیگانگان: یکی از مهم‌ترین آثار عفت‌ورزی؛ حفظ استحکام و استواری جوامع است تا جایی که عدم رعایت عفاف و بی‌حجابی و گسترش برهنگی در کشورهای اسلامی، یکی از ابزارهای مهم بیگانگان در سیطره و تسلط بر آن کشورها شده است.

استعمارگران برای استثمار ذخایر عظیم انسانی و اقتصادی کشورهای اسلامی، نخست باید آنها را از درون تهی می‌کردند، برای همین باید هویت دینی از آنها گرفته می‌شد و حجاب از نشانه‌های ارزشمند و قدرتمند آن به شمار می‌رفت. برای این تسلط، زنان بهترین انتخاب بودند زیرا احساس و عاطفه در آنها قوی‌تر است. قرآن کریم دو صفت از صفات زنان که در غالب آنها دیده می‌شود و از جنبه عاطفی آنان سرچشمه می‌گیرد، بیان نموده است؛ نخست علاقه شدید آنها به زیورآلات و دیگری عدم قدرت کافی بر اثبات مقصود به هنگام مخاصمه و جر و بحث (کمبود قدرت استدلالی) (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۳، آیه ۱۸ سوره زخرف).

۳- شکوفایی علمی و اقتصادی: بدون شک شکوفایی علمی و اقتصادی عامل مؤثری در پویایی و توسعه همه جانبه جامعه است و از آنجا که زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، لذا می‌توانند نقش مؤثری در شکوفایی علمی و اقتصادی آن داشته باشند. از آن گذشته باید این حقیقت را پذیرفت که ابتدال و بی‌حجابی زنان نه تنها شرایط مناسب جامعه را برای رشد و شکوفایی علمی و اقتصادی مردان بر هم خواهد زد؛ بلکه تأثیر به‌سزایی در تضعیف روحیه علم‌جویی خود زنان و هدر رفتن منابع مالی آنان خواهد داشت. زنی که هر روز برای خودنمایی بیشتر و استفاده از مدهای جدید مبالغه‌آمیزی هزینه می‌کند، دیگر نه تنها علاقه به فراگیری علم و بالابردن سطح معلومات خود ندارد، بلکه وقت و زمانی برای او باقی نخواهد ماند (مطهری، ۱۳۶۲: ۹۴).

بنابراین، باید گفت عفاف و نیز رعایت حجاب و پوشش اسلامی که عامل مهمی در جلوگیری از خودنمایی زنان است، از ورود زنان به ورطه مدها و پوشش‌های کاذب و غیر اسلامی جلوگیری می‌کند و موجب هزینه شدن درست منابع مالی آنها و در نتیجه تقویت بنیه اقتصادی کشور خواهد شد. زمینه‌های لازم را برای حضور سازنده زنان در عرصه‌های علمی و پژوهشی فراهم خواهد کرد که در نهایت منجر به رشد و شکوفایی علمی جامعه خواهد شد.

۴- سلامت نسل آینده جامعه: امیرمؤمنان علی (ع) در بیان گهرباری می‌فرمایند: «العفة تضعیف الشهوه» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۶۷)؛ عفت شهوت را تضعیف می‌کند، فرهنگ عفاف باعث امنیت و سلامت فرزندان اجتماع خواهد شد و قوای بشر را در جهت صحیح راهنمایی و هدایت خواهد کرد.

واضح است که فعالیت‌های اجتماعی زنان و حضور آنان در عرصه‌های مختلف زمینه تعادل و ارتباط میان زن و مرد را بیشتر کرده است. در پرتو حضور اجتماعی، بسیاری از استعدادها و قابلیت‌های زنان به فعلیت می‌رسد و از این رو یکی از انگیزه‌های دعوت به مشارکت اجتماعی زنان، بالا رفتن شخصیت علمی و معنوی و اجتماعی آنان است، که بدون این حضور این مهم دست یافتنی نیست.

۷- موارد عدم رعایت عفاف زنان از نظر قرآن کریم و سیره اهل بیت (ع) چیست؟

بی‌عفتی موارد بسیاری را شامل می‌شود که به تعدادی از این موارد اشاره می‌کنیم:

مراودات و رفت و آمدهای ناصحیح:

«أمرأه العزیز ترأود فتأها عن نفسه قد شغفها حباً» (یوسف، ۳۰)؛ زن عزیز با رفت و آمدهای پیوسته خود، تلاش می‌کند تا خدمتکارش را به خود فرا خواند، محبت او لبریز شده و وجودش را پر کرده است.



از این آیه استفاده می‌شود که رفت و آمدهای نادرست از یک محبت و علاقه طبیعی می‌تواند یک انحراف و بیماری بیافریند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۲۷۱).

نرمش در سخن گفتن:

زنان نه تنها باید در نحوه مرادوات و پوشش خود مراقب بوده و اصولی و سنجیده عمل نمایند، بلکه می‌بایست مراقب نحوه سخن گفتن خود نیز باشند. نباید طوری سخن بگویند که مورد طمع افراد بیمار دل قرار گیرند. در آیات قرآن نیز به این موضوع اشاره شده است. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب، ۳۲)؛ پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا آن کسی که در دل مرضی دارد طمع کند و سخنی پسندیده بگوید. انتخاب دوست از جنس مخالف:

زنان می‌بایست در انتخاب دوست مراقب باشند و دوستان خود را از روی درک و آگاهی انتخاب نمایند. «وَلَا مَتَّحِدَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء، ۲۵)؛ و نه آن که محرمانه دوست بگیرد. خلوت با نامحرم:

زنان می‌بایست از حضور در محل‌هایی که با مردی تنها باشند اجتناب نمایند. زیرا انسان را به سوی گناه می‌کشاند. در آیات و روایات بسیاری به این موضع به صراحت اشاره شده است. «وَعَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ» (یوسف، ۲۳)؛ درها را محکم بست و [در حالی که خود را آماده کرده بود به یوسف] گفت، بیا، بشتاب.

ارتباط با محافل و جمع‌های ناسالم:

«قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاودَتْهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّغِيرِينَ» (یوسف، ۳۲)؛ بانو گفت: این است آن کسی که مرا در عشق او سرزنش کردید آری من از او کام خواستم ولی او خویشتن‌داری کرد و اگر آنچه را به وی فرمان می‌دهم انجام ندهد قطعاً زندانی خواهد شد و خوار و بی‌مقدار خواهد گشت.

زن با عنصر عفاف، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم می‌سازد، بلکه باعث گسترش روزافزون امنیت اجتماعی و ایجاد زمینه‌ای جهت رشد معنوی مردان می‌گردد.

۸- آثار سوء عدم عفاف و بی‌حجابی از نظر قرآن کریم و اهل بیت (ع) چیست؟

۱- بی‌غیرتی:

بی‌غفتی و بی‌حجابی یا بدحجابی هر چند آثار شومی به بار می‌آورد؛ لیکن بدترین اثر آن، آسیبی است که به حریم هویت انسان می‌رسد. زیرا غیرت، یکی از عناصر محوری کمال بشری است و معنای آن غیرزدائی است؛ به طوری که نه به قلمرو شخصی غیر تجاوز شود و نه تعدی غیر به حریم شخصی خویش را تحمل کند و اگر در سخنان نورانی امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (ع) چنین آمده است که: «ما زنی غیوا قط» (دشتی، ۱۳۸۹: حکمت ۳۰۵)، یا «فته علی قدر غیرته» (دشتی، ۱۳۸۹: حکمت ۴۷)؛ ناظر به همین مطلب است.

۲- سقوط شخصیت:



عفاف، قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت او خارج می‌سازد و خروج از هویت انسانی سقوط او را از جایگاه بلند ارزشی و شخصیتی به دنبال دارد. با افول شخصیت زن، بی‌بندوباری در جامعه رایج و نظام خانوادگی مختل می‌گردد و در نتیجه امنیت اجتماعی از افراد جامعه، سلب می‌شود (اکبری، ۱۳۷۷: ۱۹۰-۱۹۳).

۳. تزلزل خانواده‌ها:

یکی از آثار زیانبار بی‌عفتی زنان، تزلزل خانواده‌هاست، زیرا آنان با گسترش و رواج مسایل جنسی از خانواده به جامعه، مرتکب ظلمی فاحش و غیرقابل جبران اجتماعی می‌گردند و روابط زناشویی در خانواده‌ها را متزلزل می‌کنند، در نتیجه امنیت خانوادگی با خطرات جدی از قبیل از هم‌پاشیدگی بنیان خانواده و عقده‌مند شدن مردان، روبرو می‌شود و این مشکلات زیانبار به محیط جامعه کشیده شده، امنیت اجتماعی را در نظام اسلامی با آشفتگی جدی مواجه می‌سازد. از دیگر آثار سوء بی‌عفتی و بی‌حجابی و تأثیر آن در زوال امنیت اجتماعی می‌توان به فقدان تعادل فکری، روانی و اجتماعی افراد جامعه، ایجاد احساس بی‌مسئولیتی در نسل جوان جامعه، از بین بردن انگیزه‌های ازدواج مشروع در جوانان و تقویت احساس بی‌ارزشی و پوچی انسان‌ها اشاره نمود، که به دلیل گستردگی بحث، از توضیح آنها خودداری می‌شود (مطهری، ۱۳۶۲: ۹۵ - ۸۰).

همچنین رونق گرفتن چشم‌چرانی و هوسبازی؛ توسعه فساد و فحشا، سوء قصد و تجاوز به عفاف، بارداری‌های نامشروع و سقط جنین، پیدایش امراض روانی و مقاربتی، خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی، بی‌مهری مردان چشم‌چران نسبت به همسران خود، بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی، رقابت در تجملات، ایجاد دلهره برای خانواده‌های پاکدامن نیز از دیگر آثار بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه می‌باشد (قرائتی، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

نتیجه‌گیری

از مباحث بیان شده در این مقاله، به خوبی نمایان می‌شود که:

- ۱- قرآن کریم و اهل بیت (ع)، جهت حفظ امنیت اجتماعی، طرفدار عفاف و حجاب بیشتر و حداکثری زنان و دختران جوان در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم است.
- ۲- مسأله عفاف، یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های احکام الهی جهت تضمین سعادت فردی و اجتماعی بشریت است که در قرآن کریم و روایات واحادیث اهل بیت (ع) نیز به وضوح به این موضوع اشاره می‌کند.
- ۳- از دیگر نتایج این تحقیق این است که زن علاوه بر حضور در عرصه‌های اجتماعی، در خانواده خود نیز نقش تربیتی و سازنده‌ای را ایفا می‌کند که این حضور اهمیت ویژه‌ای دارد. زن در این جایگاه می‌تواند الفبای عفاف را به فرزندان خود برای حضور سالم در فعالیت‌های اجتماعی آموزش دهد و با رفتار اجتماعی خود، الگوی صحیحی از عفاف را به اعضای خانواده ارائه نماید. زن با حفظ حجاب و عفاف در محیط جامعه می‌تواند راه رشد و پیشرفت را در ابعاد انسانی و اجتماعی طی کند و به عنوان یک عنصر مفید و مثبت در تربیت خانواده نقش‌آفرینی کند. زن عفیف و نجیب می‌تواند فرزندان شایسته و سالم تربیت کند. زن با حفظ حدود شرعی، جلوگیری از بی‌بندوباری و عنان گسیختگی نفس و تکریم شخصیت اجتماعی خود می‌تواند فضای سالم را در خانواده به وجود آورد و عزت نفس و کرامت انسانی را به فرزندان نشان القاء نماید.



۴- بدون تردید نخستین و مؤثرترین محیط آموزشی و تربیتی انسان، محیط خانوادگی است و اولین مربیان و معلمان او پدر و مادر هستند. خانواده به مثابه هسته اصلی و اولیه جامعه بوده، حالات فکری و روانی انسان را شکل می‌دهد. کودک از زمان تولد تا سالیانی چند، در تماسی مستقیم و انحصاری با خانواده است.

کودک در محیط خانواده طریقه خوردن، سخن گفتن، لباس پوشیدن و راه رفتن را می‌آموزد. سلسله اعصاب و مغز و ذهن حساس و ظریف کودک از همان آغاز ولادت مانند دستگاهی دقیق از صحنه‌ها، حوادث، رفتار و اعمال، حالات پدر و مادر فیلم‌برداری نموده، شخصیت خود را شکل می‌دهد.

۵- عدم رعایت پوشش اسلامی از سوی مادر و ارتباط پدر و مادر با نامحرم بدون عنایت به موازین اخلاقی و اسلامی، در کاهش حساسیت‌های اعضای خانواده به ویژه فرزندان نسبت به هنجارها و ارزش‌های دینی کاملاً تأثیرگذار خواهد بود.

۶- زن نه تنها با حضور مثبت و سازنده خود در جامعه، بلکه با حضور در روحیات و ذهنیات مردان خود و فرزندان خود و در نهایت با حضور در روحیات و ذهنیات جامعه، مسیر اصلی جامعه و تکامل انسانی را تعیین می‌کند.

پیشنهادات و راهکارها

- با توجه به واقعیت‌های موجود از حجاب در جامعه، باید تمام ابزارهای فرهنگ‌ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و... به سوی ارزش‌های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد را به مهم‌ترین وجهی رهنمون گردند.

- آموزش و پرورش با بهره‌گیری از دستورات و سفارشات قرآن کریم و اهل بیت (ع) در امرحجاب و عفاف می‌تواند راه صحیح را به دختران و پسران جامعه شناسانده و از ابتدای رشد شخصیتی آن را نهادینه کند.

- حفظ عفاف و حجاب در جامعه تنها بر عهده دولت نیست بلکه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بسیار زیاد مردمی می‌توان در جهت حفظ عفاف و حجابی که شایسته جامعه اصیل اسلامی است، گام‌های اساسی و مؤثری برداشت.

- عفاف بر بنیان خانواده و در نتیجه جامعه اثرات بسیاری دارد که نهادهای دینی و مذهبی می‌توانند با توجه به نفوذ و تأثیر فراوانی که بر افراد جامعه دارند، این مهم را به شیوه‌های مناسب منتقل نمایند.

- صدا و سیما با تهیه و ساخت برنامه‌های جذاب برای کلیه گروه‌های سنی مختلف زنان و دختران جامعه را به رعایت عفاف و حجاب تشویق نماید. همچنین استفاده از پوشش‌های مناسب برای بازیگران و جلوگیری از پخش الگوهای نامتعارف.

- نمایشگاه‌های مد و لباس بدلیل ارائه لباس با قیمت‌های بسیار زیاد نتوانسته عموم مردم را به خود جلب نماید. با طراحی لباس‌های جذاب ولی با پوشش مناسب و با قیمت‌های منطقی و مناسب می‌توان تعداد بیشتری را برای خرید این نوع لباس‌ها جذب کرد.

- چشم‌اندازی جامع و کارشناسی شده با مشارکت طیف‌های مختلف جامعه در خصوص حجاب و عفاف تدوین گردد.

- شناسایی و معرفی مصداق‌ها و الگوهای بومی محلی روشن و مناسب در سبک زندگی اسلامی.

- معرفی اسوه‌های موفق و برتر علمی زنان با حجاب و سوق دادن مردم به سمت خودباوری بیشتر از این طریق.

- سرمایه‌گذاری واقعی دولت با اختصاص بودجه‌های فرهنگی به سازمان‌ها و نهادهای مربوطه جهت اجرایی شدن طرح‌هایی مناسب حجاب و عفاف.



- جلوگیری از ورود مدل‌های خارجی و بیگانه به کشور با نظارت بر فروشگاه‌ها و مراکز فروش و پخش کل کشور و همچنین برخورد شدید با طراحان داخلی که مدل‌های مبتذل را ارائه می‌کنند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آنوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، جلد اول، ۱۳۸۱.
۳. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، مختصر تاریخ دمشق، تحقیق احمد راتب حموش و محمد ناجی العمر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۵ق.
۴. _____، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۵. بیرقی‌اکبری، محمدرضا، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، اصفهان، پیام عزت، ۱۳۷۷.
۶. ترمذی، محمدبن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۷. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۸. جوادی‌آملی، عبدالله، روابط بین‌الملل در اسلام، قم، اسراء، ۱۳۸۸.
۹. _____، زن در آینه جلال و جمال، قم، دارالهدی، ۱۳۷۸.
۱۰. _____، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۱. حرعاملی، محمدبن‌حسن، وسایل الشیعه، ج ۱، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۲ق.
۱۲. حرانی، حسین‌بن‌شعبه، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۱۳. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸.
۱۴. دشتی، محمد، نهج‌البلاغه، قم، اشکذر، ۱۳۸۹.
۱۵. سیدی‌نیا، سیدعلی‌اکبر، کرامت انسانی و اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، صص ۱۱۱ تا ۱۴۱، شماره ۲۹، صص ۱۱۷، ۱۳۸۷.
۱۶. شعاع کاظمی، مهرانگیز، «خانواده و آسیب‌های روانی موجود در آن». مجله معرفت، شماره ۹۴، صص ۵۴-۵۵، ۱۳۸۴ش.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۱.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۱۷ق.
۱۹. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع‌البیان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۸۳.
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین و مطلع‌النیرین، قم، مؤسسه‌البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۱. علم‌الهدی، سیدعبدالرسول، ارتباط عقیفانه در تلویزیون و سینما، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
۲۲. غلامی، یوسف، اخلاق و رفتارهای جنسی، تهران، معارف اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۳. قرائتی، محسن، هزار و یک نکته از قرآن، تهران، معاونت امور فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۰.
۲۴. محمدی‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.



اولین همایش ملی اسلام و سلامت روان - اردیبهشت ۱۳۹۴

۲۵. _____، محمد، میزان الحکمه، تهران، بنگاه نشر و ترجمه، ۱۳۷۷.
۲۶. مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۲۷. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، قم، ناشر و جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۲.
۲۸. _____، یادداشت‌های استاد مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۹.
۲۹. مکارم‌شیرازی، ناصر، زندگی در پرتو اخلاق، تهران، سرور، ۱۳۸۶.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، کلیات شمس، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر با مقدمه دکتر جواد سلماسی زاده، تهران، اقبال، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۳۰. میرخانی، عزت‌السادات، گستره عفاف در زندگی انسان، ندای صادق، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲، ص ۸۷، ۱۳۸۰.
۳۱. نراقی، ملاحمد، معراج السعاده، تهران، دهقان، ۱۳۷۷.
۳۲. نوری‌طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ه.ق.
۳۳. دورانت، ویل، لذات فلسفه، ترجمه عباس زیاب‌خویی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.